

بررسی تبعات توزیعی تغییر متغیرهای مالیاتی در اقتصاد ایران

الهام غلامی*

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی اثر تغییر متغیرهای مالیاتی بر توزیع درآمد است. لذا، آثار توزیعی انواع مالیات‌ها (مالیات بر درآمد و مالیات بر مصرف) و همچنین انواع نرخ‌های مالیات بر درآمد (تناسبی و تصاعدی) به طور مجزا بررسی شده است. بدین منظور، ابتدا با استفاده از یک مدل کلان که از نوع الگوی (VAR) پنج متغیره است، روند متغیرهای مخارج دولت، تولید ناخالص داخلی، بیکاری و تورم و آثار شوک‌های متغیرهای مالیاتی (مالیات بر مصرف، مالیات بر درآمد با نرخ تصاعدی و تناسبی و نسبت مالیات بر درآمد به مالیات بر مصرف) بر آنها برای ده سال (۹۷-۱۳۸۷) پیش بینی شده است. سپس در چارچوب یک الگوی خرد، درآمد خانوارهای مناطق شهری و روستایی برآورد و با استفاده از روند پیش بینی شده متغیرهای رابط در حالت بدون شوک و با اعمال شوک متغیرهای مالیاتی برای ده سال (۹۷-۱۳۸۷) شبیه سازی شده است. آنگاه شاخص ضریب جینی به عنوان معیار سنجش نابرابری درآمد بین خانوارها بر اساس درآمدهای شبیه‌سازی شده در دو حالت مذکور محاسبه و با مقایسه این دو ضریب چگونگی تاثیر شوک‌های متغیرهای مالیاتی بر توزیع درآمد مشخص شده است. نتایج نشان می‌دهد، شوک افزایش مالیات بر درآمد در کوتاه‌مدت نابرابری توزیع درآمد را در مناطق روستایی و مناطق شهری کاهش می‌دهد، در حالی که در بلندمدت منجر به افزایش نابرابری در مناطق شهری می‌شود. به علاوه، نرخ تصاعدی مالیات بر درآمد آثار مثبت بیشتری نسبت به نرخ مالیات

بر درآمد تناسبی بر نابرابری توزیع درآمد در بلندمدت و کوتاه‌مدت در مناطق شهری دارد و روستایی دارد. یک شوک مثبت مالیات بر مصرف نیز منجر به کاهش نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی و مناطق شهری می‌شود اما میزان تاثیر گذاری آن از مالیات بر درآمد بیشتر است. به علاوه، افزایش نسبت درآمدهای مالیات بر درآمد به مالیات بر مصرف نیز نابرابری توزیع درآمد را در مناطق روستایی و مناطق شهری افزایش می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای تحقق کاهش نابرابری توزیع درآمد در بلندمدت بایستی سیاست‌گذاری‌های مالیاتی به سمت مالیات بر مصرف گرایش یابد.

واژه‌های کلیدی: توزیع درآمد، درآمدهای مالیاتی، الگوی ترکیبی کلان و خرد، ضریب جینی.

۱. مقدمه

یکی از مسائلی که همواره مورد نظر اقتصاددانان بوده و از زمان پیدایش علم اقتصاد اظهارنظرهای فراوانی در خصوص آن صورت گرفته، مساله توزیع درآمد است. مسائلی مربوط به توزیع عادلانه درآمد آنچنان حائز اهمیت است که حتی فلاسفه بزرگی چون افلاطون و ارسطو نیز در خصوص آن به اظهارنظر پرداخته‌اند. در عصر حاضر نیز یکی از ارکان مشروعیت و کارایی اغلب حکومت‌ها حل مشکل نابرابری توزیع درآمد بوده و این موضوع به یکی از مهمترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی و یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم دولت‌ها مبدل شده است. با این وجود، توزیع درآمد و جهت‌گیری اقتصادی به منظور تقسیم عادلانه امکانات بین اقشار مختلف جامعه مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است که از مهمترین این ابزارها سیاست‌های مالی و متغیرهای مرتبط به آن هستند. بنابراین، یکی از اهداف اقتصادی دولت‌ها را می‌توان توزیع درآمد با استفاده از همین ابزارها قلمداد نمود که ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. لذا، ارتباط بین شوک‌های متغیرهای اقتصادی (پولی و مالی و غیره) و نابرابری درآمد نیز برای آن مانند

۱- قدیری اصل، باقر (۱۳۷۶)، سیر اندیشه‌های اقتصادی، چاپ نهم، تهران، نشر مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۲- جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی (۱).

سایر کشورهایی که سیاست‌های اقتصادی را عمدتاً در راستای عادلانه کردن توزیع درآمد به اجرا می‌گذارند، دارای اهمیت است. در واقع با در نظر گرفتن شوک‌های مؤثر بر نابرابری درآمد و شناسایی چگونگی انتشار آنها در اقتصاد کشور، امکان جلوگیری از تسری آثار و پیامدهای نامطلوب این شوک‌ها بر توزیع درآمد برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی فراهم خواهد شد. براین اساس، در این مقاله نیز با توجه به شوک‌های ناشی از متغیرهای پولی و مالی و شوک‌های ناشی از سیاست‌گذاری متغیرهای مالیاتی، نقش شوک‌های مختلف متغیرهای مالیاتی بر نابرابری توزیع درآمد در دوره بلندمدت و مکانیسم انتقال تغییر متغیرهای مالیاتی به درآمد خانوارهای شهری و روستایی بررسی خواهد شد.

ساختار مقاله بدین صورت است که پس از مقدمه، در بخش دوم مفاهیم توزیع درآمد و شاخص‌های اندازه‌گیری آن و سپس چگونگی تاثیر گذاری مالیات بر توزیع درآمد در بخش سوم به اختصار بیان می‌شود. در بخش چهارم نیز مطالعات انجام گرفته در رابطه با تاثیر گذاری متغیرهای مالیاتی بر توزیع درآمد و در بخش پنجم مدل مورد نظر در تحقیق و مبانی الگوی ترکیبی کلان و خرد و همچنین برآورد مدل کلان و مدل خرد توضیح داده خواهد شد. در بخش ششم شبیه‌سازی اثرات تغییر متغیرهای مالیاتی بر توزیع درآمد ارائه شده است. در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

۲- مفاهیم و شاخص‌های اندازه‌گیری توزیع درآمد

۲-۱. مفاهیم توزیع درآمد

اقتصاددانان در تعریف توزیع درآمد با نگرش حقوق اقتصادی بین دو واژه توزیع اولیه درآمد و توزیع مجدد درآمد تفاوت قائل می‌شوند. توزیع اولیه همان توزیع مبتنی بر عوامل تولید است که توزیع منابع و عوامل تولید قبل از بکارگیری آنها در امر تولید را مورد تاکید قرار می‌دهد و برای توانایی کسب درآمد و توزیع این توانایی، بیشتر از درآمد ایجاد شده و نحوه توزیع اهمیت قائل است. به طور کلی در این مفهوم بجای در نظر گرفتن افراد به‌عنوان گروه‌های جداگانه، درصد درآمدی که «کار» در مجموع دریافت می‌کند، با درصد کل درآمدی که به شکل اجاره، بهره و سود توزیع می‌شود، مقایسه می‌گردد در مقابل،



توزیع مجدد^۳ یا باز توزیع درآمد همان توزیع مقداری درآمد (توزیع درآمد بین اشخاص خانوارها) است که متداول‌ترین روش بررسی وضعیت توزیع درآمد در کشورها محسوب می‌گردد. در این مفهوم، توزیع درآمد حاصل از بکارگیری منابع تولید در امر تولید یعنی صرفاً سهم اشخاص یا خانوارها از کل درآمد مورد بررسی قرار می‌گیرد و منبع کسب درآمد اهمیتی ندارد. در این مقاله نیز از بین دو تعریف مذکور، مفهوم دوم یعنی نحوه توزیع مجدد درآمد مد نظر قرار گرفته و سعی بر این است که براساس روشی مقتضی دربارهٔ پیامدهای دخالت دولت بر سازوکارهای فعلی و نحوهٔ توزیع درآمد کشور بین خانوارها که ناخودآگاه^۴ در اثر تغییر متغیرهای مالیاتی به وجود خواهد آمد، ارائه گردد.^۵

به طور کلی، چنانچه دولت با هر هدفی تغییری در متغیرهای نظام مالیاتی (نرخ مالیات^۶ و پایه مالیاتی^۷) ایجاد کند، یک سیاست مالی انجام داده و این سیاست نیز در سطح کلان (آثار درآمدی و تثبیتی) و در سطح خرد (آثار تخصیصی و توزیعی) آثاری به همراه دارد. زیرا از لحاظ نظری، کارکرد نظام اقتصادی ناشی از هزاران تصمیمی است که افراد و

۳- منظور از باز توزیع درآمد در این مفهوم بدان معنا است که پس از تأثیرگذاری اقدام سیاستی دولت در فرآیندهای واقعی اقتصاد و تعدیل و تطبیق رفتار کارگزاران اقتصادی، سرانجام برآیند تصمیم‌گیری‌های تازه که در واکنش به این تغییر سیاستی دولت رخ داده است، اقتصاد جامعه را به کدام سمت می‌برد.

۴- ناخودآگاه بودن بدان معنا است که هدف اولیه تغییر متغیرهای مالیاتی توسط دولت تأثیرگذاری در توزیع درآمد نیست.

۵- قابل ذکر است، اتخاذ این تلقی در این تحقیق به معنای بی‌توجهی به اهمیت توزیع توانایی‌های کسب درآمد نیست، زیرا تغییر متغیرهای مالیاتی ارتباط چندانی با توانایی کسب درآمد خانوارها نداشته و مالیات‌ها بیشتر به اهمیت درآمد کسب شده و توزیع شده بین خانوارها در رفع نیازهای مصرفی خانوار توجه دارند.

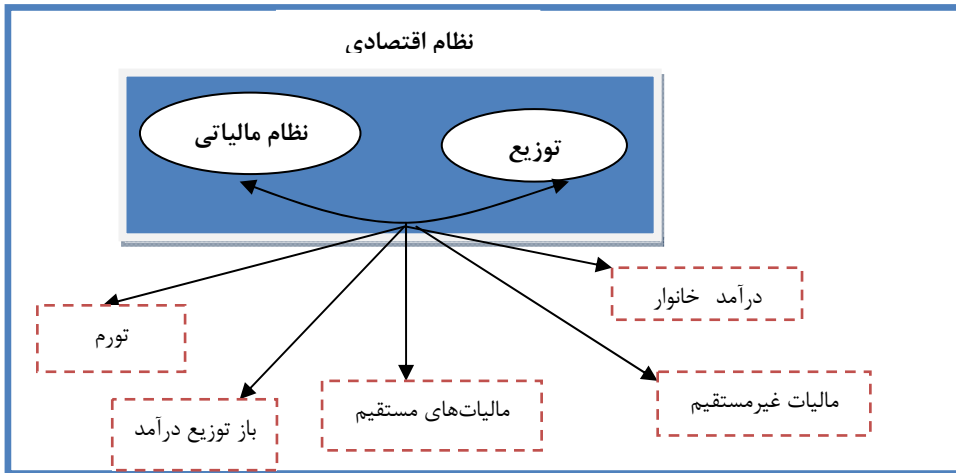
۶- در تجزیه و تحلیل نرخ‌های مالیاتی، نرخ مالیاتی به صورت نسبت میزان مالیاتی پرداختی به درآمد پرداخت کننده مالیات تعریف می‌شود، زیرا یکی از اهداف عمده صاحب‌نظران در زمینه اصول مالیاتی، بررسی تأثیر مالیات بر رفاه افراد که مفهومی ذهنی است، می‌باشد، لذا این تعریف مناسب بوده و خود منجر به تفکیک نظام مالیاتی به سه ساختار تصاعدی، تنازلی و تناسبی می‌گردد. به علاوه اینکه، در تحلیل‌های اقتصادی بین نرخ متوسط و نرخ نهایی مالیات تفاوت قائل می‌شوند و ملاک عمل را با توجه به تغییر تدریجی رفتار مصرف کننده نسبت به تغییرات سیاستی، نرخ نهایی قرار می‌دهند.

۷- هر چیزی که از لحاظ اقتصادی دارای ارزش است و به عنوان مبنای محاسبه عددی برای اخذ مالیات محسوب می‌گردد، پایه مالیاتی نامیده می‌شود که معمولاً مالیات‌ها رانیز بر حسب آن نامگذاری می‌کنند. به طوریکه براساس دیدگاه‌های مختلف مالیات‌ها به دو دسته کلی یعنی مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌گردند.

دولت برای موارد مختلف اتخاذ می‌کند و برآیند کلی این تصمیم‌ها پویایی و عملکرد نظام اقتصادی را معلوم می‌کند. به‌طوریکه شمای کلی ارتباط متقابل نظام مالیاتی با برخی از پدیده‌های اقتصادی مؤثر بر توزیع درآمد به صورت شکل (۱) است. اما از آنجا که هدف اصلی در این مقاله بررسی تبعات توزیعی متغیرهای مالیاتی از طریق تغییر سهم درآمدی خانوارها است لذا محور اصلی بحث توزیع مجدد درآمد است. زیرا موضوع اصلی در توزیع مجدد درآمد، تغییر درآمد خانوارها در اثر تغییر متغیرها مالیاتی است. قابل ذکر است، مالیات اساساً از دو مسیر کلی «بودجه دولت» و «کارکرد اقتصاد کلان» بر توزیع مجدد درآمد تأثیر می‌گذارد. مسیر بودجه دولت بر این اساس استوار است که دولت از چه کسی؟ یا چه چیزی؟ و به چه مقدار مالیات می‌گیرد و این درآمد را برای چه کسی؟ چه چیزی؟ و به چه اندازه‌ای خرج می‌کند. بنابراین، از آنجا مالیات بر مصرف و مالیات بر درآمد منبع درآمدی مطمئن و پایداری برای دولت محسوب می‌شوند، لذا چنانچه دولت با تکیه بر مسیر اول براساس مدیریتی نظام‌مند در چارچوب اهداف عدالت‌جویانه درآمدهای به دست آمده را در سه زمینه کلی هزینه‌های جاری، عمرانی و پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌ها خرج کند، توزیع درآمدی که پس از این اقدامات در اقتصاد حاصل می‌شود، بهبود خواهد یافت. در مقابل، مسیر کارکرد اقتصادی از طریق تغییر رابطه مبادله بخش‌های اقتصاد، منجر به تغییر سهم خانوارها از کل درآمد تولید شده در اقتصاد می‌شود. براساس این مسیر، نظام مالیاتی چنانچه دارای نرخ‌های چندگانه باشد، می‌تواند بر کارکرد اقتصاد و منابع درآمدی خانوارها تغییر ایجاد کند اما از آنجا که نظام مالیات بر مصرف (مالیات بر ارزش افزوده) در ایران دارای نرخ واحد است، لذا در کارکرد اقتصاد خصوصی و رابطه مبادله محصولات و عوامل تولید بین بخش‌های اقتصاد خصوصی تأثیر چندانی ندارد. اما نظام مالیات مستقیم (مالیات بر درآمد) با اعمال نرخ‌های چندگانه و تصاعدی می‌تواند در این امر مؤثر واقع گردد.



شکل ۱: ارتباط متقابل نظام مالیاتی با برخی از پدیده‌های اقتصادی مؤثر بر توزیع درآمد



۲-۲. شاخص‌های اندازه‌گیری توزیع درآمد^۸

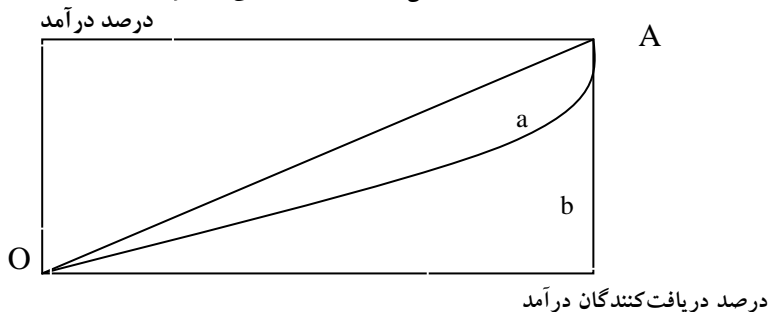
برای اندازه‌گیری توزیع درآمد از شاخص‌های متعددی استفاده می‌گردد که در این قسمت برخی از آنها به اختصار توضیح داده شده است.

الف) منحنی لورنز:^۹ منحنی لورنز یکی از روش‌های ابتدایی و متداول برای بررسی وضعیت توزیع درآمد است که در سال ۱۹۰۵ به وسیله لورنز آماردان آمریکایی ابداع شد. این منحنی رابطه کمی واقعی بین درصد دریافت کنندگان درآمد و درصد کل درآمد کسب شده در طول یک سال را بر حسب درصدهای تجمعی نشان می‌دهد. نمایش نموداری منحنی مذکور به صورت زیر است. به طوریکه، در صورتی که درصد دریافت کنندگان درآمد متناسب با درصد درآمد کسب شده باشد، توزیع درآمد در این جامعه کاملاً برابر و منحنی لورنز بر خط OA (خط ۴۵ درجه) منطبق خواهد بود. اما اگر تناسب وجود نداشته باشد، با هر چه بیشتر شدن اختلاف، فاصله منحنی از خط OA نیز بیشتر خواهد شد.

۸- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۷.

9. Lorenz curve

شکل ۲: نمودار منحنی لورنز



ب) ضریب جینی^{۱۰}: این ضریب یا نسبت تراکمی جینی^{۱۱} در سال ۱۹۲۱ توسط کواردو جینی^{۱۲} آماردان ایتالیایی ارائه شد و بیانگر این است که نسبت به حالت برابری کامل در توزیع درآمد، چند درصد از درآمد محرومین جامعه به ثروتمندان داده شده است. ضریب جینی از روی منحنی لورنز محاسبه می‌شود و با توجه به شکل (۲) به صورت نسبت مساحت ناحیه (a) به ناحیه (a+b) است. این ضریب در مقایسه با منحنی لورنز، درجه و شدت نابرابری را دقیق و خلاصه شده در یک عدد اندازه گیری می‌کند.

از لحاظ تجربی چنانچه ضریب جینی بین (۰/۳ - ۰/۲) باشد، توزیع درآمد بطور نسبی برابر و اگر بین (۰/۷ - ۰/۵) باشد، توزیع درآمد بسیار نابرابر است. به بیان دیگر، هرچه ضریب جینی به یک نزدیکتر شود به معنای آن است که تمرکز درآمد و ثروت بیشتر شده و توزیع درآمد و ثروت به سمت تمرکز در دست عده‌ای خاص گرایش دارد.

ج) ضریب انگل^{۱۳}: این ضریب، نسبت مخاج کالاهای ضروری در سبد یک خانوار به کل مخارج آن خانوار است و به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{ضریب انگل} = \frac{\text{جمع هزینه‌های خوراک، پوشاک و مسکن خانوار}}{\text{کل درآمد}}$$

از آنجا که در طبقات پایین‌تر جامعه سهم مخارج مصرفی و ضروری یک خانوار از کل درآمد بیشتر است، لذا هر چه این ضریب بیشتر باشد، خانوار در طبقه پایین‌تری از درآمد خواهد بود.

10. Gini Coefficient
11. Gini Concentration Ratio
12. Carrado Gini
13. Engel Coefficient



ه) شاخص دالتون^{۱۴}: دالتون پایه‌گذار شاخصی قیاسی در اندازه‌گیری نابرابری درآمد است و اعتقاد دارد، شاخص نابرابری باید مستقیماً از طریق یک تابع رفاه اجتماعی بدست آورده شود. طبق فروض حاکم بر شاخص دالتون، تابع رفاه اجتماعی به صورت جمع پذیر، قابل تفکیک، متقارن و اکیداً محدب و برای همه افراد جامعه یکسان است و حداکثر رفاه اجتماعی زمانی بدست می‌آید که درآمد همه افراد در توزیع درآمد، مساوی با میانگین درآمد توزیع شده باشد. شاخص دالتون برابر نسبت کل رفاه اقتصادی حاصل از یک توزیع درآمد به کل رفاه اقتصادی حاصل از توزیع درآمد است.

ز) شاخص آتکینسون^{۱۵}: اتکینسون اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد را مبتنی بر قضاوت‌های ارزشی می‌داند و تلاش کرد، مسائل مربوط به رفاه اجتماعی را در نابرابری توزیع درآمد وارد نماید. رفاه اجتماعی در شاخص مذکور به صورت حاصل جمع مطلوبیت‌های تمام افراد جامعه است. به طوریکه در حالت نزولی بودن مطلوبیت نهایی، یک توزیع مجدد درآمد از ثروتمند به فقیر، رفاه اجتماعی جامعه را افزایش خواهد داد.

ضریب اتکینسون بر مبنای از دست دادن میزان درآمد کل به منظور دستیابی به برابری بیشتر است و بیانگر این است که افراد یک جامعه برای دستیابی به درآمدهای برابرتر حاضرند چه میزان از کل درآمد خود را از دست دهند. این ضریب به صورت

$$A = \left(1 - \frac{y_e}{y_u}\right) \times 100$$

روبرو محاسبه می‌گردد:

که در آن y_e : سطح درآمد معادل توزیع برابر و y_u : متوسط سطح درآمد جاری است. مقدار عددی این ضریب بین صفر تا ۱۰۰ درصد تغییر می‌کند. بطور کلی هر چه مقدار A بیشتر باشد، درجه نابرابری بیشتر است. همچنین، برای یک توزیع مشخص، هر چه میزان اجتناب از نابرابری افزایش یابد، مقدار A افزایش خواهد یافت.

۳. مطالعات تجربی

کلیه مطالعاتی که در زمینه بررسی اثرات توزیعی شوک‌ها و تغییرات متغیرهای اقتصادی متمرکز هستند، از نظر روش‌شناسی در دو گروه جای می‌گیرند. یک گروه با

14. Dalton Index

15. Atkinson Coficient



استفاده از یک معادله منحصر به فرد به بررسی نابرابری توزیع درآمد می‌پردازند و گروه دوم نیز از سیستم معادلات استفاده می‌کنند. با این وجود، تعداد قابل توجهی از این مطالعات عمدتاً درصدد محاسبه شاخص نابرابری از طریق ضریب جینی برآمدند که در ادامه به برخی از این مطالعات که به بررسی اثر توزیعی متغیرها و سیاست‌های مالی پرداخته اند، اشاره شده است.

پالم (۱۹۹۶)^{۱۶} در مطالعه‌ای از طریق محاسبه ضرایب جینی در دو مقطع قبل و بعد از اصلاحات مالیاتی سال ۱۹۹۱ به بررسی اثرات توزیعی این اصلاحات در کشور سوئد پرداخت و به این نتیجه رسید که اصلاحات مالیاتی منجر به متعادل‌تر شدن توزیع درآمد شده است. آندره دکوستر (۲۰۰۰)^{۱۷} در مقاله‌ای با عنوان «اثرات توزیع مجدد انتقال مالیات درآمد شخصی به مالیات‌های غیرمستقیم» به بررسی وضعیت توزیع درآمد بلژیک در سال‌های (۱۹۸۸-۹۳) پرداخت. وی با استفاده از دو معیار مختلف (با استفاده از منحنی لورنز و منحنی‌های تمرکز) اثر این تغییرات را روی توزیع درآمد شبیه سازی نمود و به این نتیجه رسید که اثر توزیع مجددی مالیات بر درآمد شخصی و مالیات‌های غیرمستقیم به ترتیب کاهش و افزایش یافته است. داموری و پردانا (۲۰۰۳)^{۱۸} در مطالعه‌ای با عنوان «اثر سیاست مالی بر توزیع درآمد و فقر» تأثیر سیاست مالی را بر توزیع درآمد و فقر در کشور اندونزی با استفاده از روش CGE^{۱۹} بررسی کرد و نتیجه گرفت که سیاست انبساطی مالی به‌طور معنادار بر توزیع درآمد اثر دارد. به علاوه، وی بیان داشت که سیاست انبساطی مالی در اندونزی به نفع خانوارهای شهری بوده نه خانوارهای روستایی.

در ایران نیز رضا رحیمی (۱۳۶۸)^{۲۰} در پایان نامه خود موضوع نابرابری درآمدها در

16. Palm, Marten (1996), "Income Distribution Effects of the Swedish 1991 Tax Reform", Journal of Policy Modeling, Vol. 18, No. 4, pp: 419-43.
17. Cecoster, Ander (2000), "Redistributive Effects of the shift personal Income taxes to Indirect taxes: Belgium 1988 - 1993", working Group public Economic in its series working paper series, number ces 0007.
18. Yose Rizal Damuri and Ari A. Perdand (2003), "The Impact of Fiscal Policy on Income Distribution and Poverty: A Computable General Equilibrium Approach for Indonesia", Center for Strategic and International Studies, Jakarta, Indonesia in its series CSLS Economics working paper series, number wpeo68.
19. Computable General Equilibrium.

۲۰- رحیمی، رضا (۱۳۶۸)، «نقش مالیات‌ها در توزیع مجدد در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).

کشورهای در حال توسعه را یک مشکل ساختاری بیان کرده و اذعان می‌دارد، مالیات‌های مستقیم در این کشورها به رغم انتظار، تأثیر چندانی در توزیع درآمدها ندارند. به علاوه، وی با بررسی درآمدهای مالیاتی کشور در سال‌های (۶۷-۱۳۵۲) مشاهده می‌کند که سهم دریافتی‌های مالیاتی دولت در طی این سال‌ها از شرکت‌ها بسیار بیشتر از مالیات بر مشاغل بوده و دریافتی‌های مالیاتی در حدی نبوده که نظام مالیاتی کشور بتواند در خصوص بهبود توزیع در آمد و ثروت جهت دار عمل نماید. سهیلا پروین (۱۳۷۲)^{۲۱} در تحقیقی با عنوان «زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران»، سیاست‌های مالی را به‌عنوان یکی از مهمترین ابزارهای تعدیل توزیع درآمد و مصرف مدنظر قرار داد و آثار توزیعی مالیات را با مقایسه ضریب جینی طبقات مختلف جامعه محاسبه بررسی نموده است. نتایج این تحقیق نیز بیانگر این است که، سیاست‌های مالیاتی تقریباً هیچ‌گونه اثر تعدیل‌کننده‌ای بر توزیع درآمد نداشته و به‌خاطر ساختار مالیات‌ها، تکیه بر مالیات سهل الوصول و عدم کارایی سیستم اخذ مالیات، این سیاست‌ها نوعاً اثر ضد تعدیل داشته‌اند. رسول ناصری گل‌گذاری (۱۳۷۳)^{۲۲} نیز در پایان نامه خود به بررسی اثر مالیات بر توزیع درآمد از طریق بررسی سهم هر یک از عوامل تولید از قبیل نیروی کار، سرمایه و زمین از تولید ناخالص داخلی پرداخته است. وی در ادامه، رابطه انواع درآمدهای مالیاتی با شاخص‌های نابرابری را بکارگیری مدل زیر بررسی نمود.

$$\ln Y_i = a + \beta \ln X_i + U_i$$

نتایج بدست آمده از این تحقیق بیانگر این است که، ضریب جینی با کل مالیات، مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم رابطه عکس دارد اما اثر مالیات بر ثروت روی ضریب جینی بیش از اثر مالیات بر درآمد است. سهیلا پروین و مرتضی قرباغیان (۱۳۷۵)^{۲۳} نیز آثار توزیعی مالیات را از طریق محاسبه بار مالیاتی در گروه‌های مختلف هزینه طی هشت گزینه مورد بررسی قرار دادند. در نهایت نیز با مقایسه درآمد گروه‌های هزینه‌ای

۲۱- پروین، سهیلا (۱۳۷۲)، «زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران»، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

۲۲- ناصری گل‌گذاری، رسول (۱۳۷۳)، «نقش مالیات در توزیع درآمد (مطالعه تجربی در ایران برای سال‌های ۷۰-۱۳۵۰)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۲۳- پروین، سهیلا و مرتضی قره باغیان (۱۳۷۵)، «آثار توزیعی مالیات در ایران»، مجله اقتصاد، دانشکده اقتصاد شهید بهشتی.

قبل و بعد از پرداخت مالیات نشان داده‌اند که بار مالیاتی خانوارهای کم درآمد، حتی در گزینه‌های خوش بینانه، فقط ۰/۷ درصد کمتر از بار مالیاتی خانوارهای پردرآمد است. بطور کلی، در این تحقیق نشان داده شده است که سیستم مالیاتی دارای اثر توزیعی کمی بوده و اثر آن قابل چشم پوشی است. اسماعیل ابونوری (۱۳۷۶)^{۲۴} در تحقیقی به برآورد الگوی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از اطلاعات موجود برای سال‌های (۷۰-۱۳۵۰) پرداخت. در این راستا اثر افزایش در نسبت اشتغال، بهره‌وری نیروی کار، هزینه‌های دولتی، سهم درآمدهای شخصی از تولید ناخالص داخلی و کل درآمدهای مالیاتی دریافتی از هر خانوار را بر سطح نابرابری‌ها را برآورد و نتیجه گرفت که در ازای ۱٪ افزایش در کل مالیات‌های دریافتی از هر خانوار، بیش از ۰/۸۱ درصد به سطح نابرابری در سال بعد اضافه می‌شود و بطور کلی، نظام مالیاتی بجای کاهش نابرابری اقتصادی، در جهت افزایش آن عمل می‌نماید.

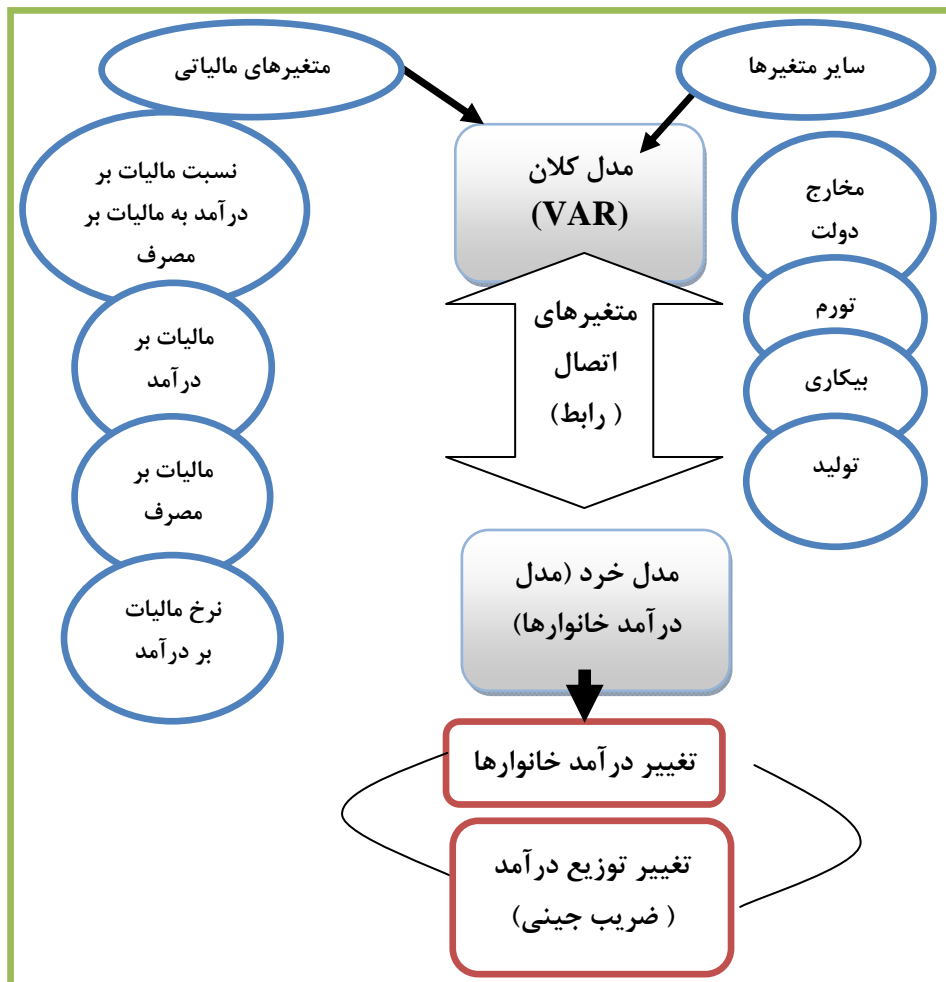
۴. مدل تجربی

در این مقاله برای بررسی تبعات توزیعی تغییر متغیرهای مالیاتی بر توزیع درآمد خانوارهای ایرانی (شهری و روستایی) از الگوی ترکیبی کلان- خرد استفاده شده که بر مبنای یک مدل کلان و یک مدل خرد قرار دارد. براساس نمای کلی شکل (۳)، الگوی مزبور از سه جزء یعنی مدل کلان، مدل خرد و شیوه اتصال مدل کلان و مدل خرد تشکیل شده است.^{۲۵} به‌طوریکه، مدل کلان روند متغیرهای کلان یعنی مخارج دولت، تورم، بیکاری و تولید ناخالص داخلی را قبل و بعد از اعمال تغییر متغیرهای مالیاتی (نسبت مالیات مستقیم به غیر مستقیم، مالیات بر درآمد، مالیات بر مصرف، نرخ مالیات بر درآمد (تصادفی، تنازلی و تناسبی)) پیش‌بینی می‌کند و مدل خرد نیز با توجه به روندهای پیش‌بینی شده متغیرهای کلان، درآمد هر یک از خانوارهای شهری و روستایی را شبیه‌سازی می‌کند. در نهایت نیز با مقایسه ضریب جینی حاصل از دو حالت فوق‌الذکر، نتیجه‌گیری در خصوص چگونگی تغییر نابرابری توزیع درآمد با تغییر متغیرهای مالیاتی انجام خواهد شد. بنابراین در الگوی ترکیبی کلان- خرد، تاثیر تغییر متغیرهای مالیاتی بر نابرابری توزیع

۲۴- ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶)، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱.

درآمد، به طور غیر مستقیم و براساس فرآیند دو مرحله‌ای انجام می‌گیرد. به علاوه، مکانیسم اثرگذاری تغییر متغیرها بر نابرابری قابل شناسایی است، زیرا افزایش یا کاهش درآمد خانوارها کاملاً و دقیقاً قابل مشاهده است.

شکل ۳: شمای کلی الگوی ترکیبی کلان- خرد



در ادامه هر یک از این اجزاء و تصریح مدل کلان و خرد توضیح داده شده است.

۴-۱- مدل کلان

وظیفه اصلی مدل کلان در الگوی ترکیبی کلان- خرد، پیش‌بینی آثار تغییر متغیرهای

مالیاتی بر متغیرهای مختلف اقتصادی است و به تنهایی و بطور مستقیم نمی‌تواند مشخص کننده آثار تغییرات متغیرهای مالیاتی بر توزیع درآمد میان خانوارها باشد. در ادبیات موجود انواع مختلفی از مدل‌های کلان، وجود دارند که متداول‌ترین آنها عبارتند از مدل‌های تعادل عمومی محاسبه‌پذیر^{۲۶}، مدل‌های اقتصادسنجی کلان^{۲۷} و مدل‌های خودرگرس کننده برداری. مدل‌های تعادل عمومی محاسبه‌پذیر با فرض تقسیم عواملان اقتصادی در میان فعالیت‌های مختلف و با فرض عامل نمونه در هر فعالیت طراحی می‌شوند. قابل ذکر است، این مدل‌ها قادر به پیش بینی نابرابری بین گروهی هستند اما محاسبه نابرابری‌های درون گروهی با این مدل‌ها امکان‌پذیر نیست. از این‌رو، در رهیافت‌های جدیدتر برای محاسبه نابرابری درون گروهی از طریق مدل‌های (CGE)، آنرا به یک مدل خرد مرتبط می‌کنند. در مدل‌های اقتصادسنجی کلان نیز تفکیک‌ها عموماً بر اساس بخش‌های اقتصادی صورت می‌گیرد. لذا، امکان محاسبه نابرابری بین گروهی از طریق آن میسر نبود و اساساً برای ارزیابی آثار توزیعی مناسب نیستند. یک نوع دیگر از مدل‌های کلان مدل‌های خودرگرس کننده برداری (VAR) است که خاص پیش‌بینی در سری‌های زمانی هستند. این مدل‌ها پس از انتقادات مختلف بر سایر مدل‌های کلان از جمله نقد مشهور لوکاس^{۲۸} مطرح گردیدند. لوکاس قیده‌های تحمیل شده بر مدل‌های رفتاری و شرایطی که مدل‌ها بر اساس آن محاسبه می‌شدند را به‌طور کلی زیر سؤال برد. در این مقاله، براساس مطالب مربوط به معرفی مدل‌های کلان و هدف اصلی مورد نظر مبنی بر ارزیابی بین گروهی آثار توزیعی تغییر متغیرهای مالیاتی، مدل خودرگرس کننده برداری (VAR) مورد استفاده قرار گرفته است.

۲-۴- متغیرهای رابط

علی‌رغم تفاوت‌های موجود در انواع مدل‌های کلان معرفی شده، در همه آنها امکان پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی به نحوی وجود دارد که می‌توان به روش خاصی آن‌ها را به درآمدهای خانوارها مرتبط نمود. این متغیرها، متغیرهای رابط^{۲۹} نامیده می‌شوند. بنابراین، با

26. Computable General Equilibrium (CGE) Model.

27. Microeconomic Model.

28. Lucas

30. Linkage Aggregate Variables (LAVs)

توجه به انتخاب الگوی (VAR) به عنوان مدل کلان مقتضی، تنها نحوه اتصال این مدل به مدل خرد متناسب با آن توضیح داده خواهد شد.

۴-۳- مدل خرد

مدل خرد معادله‌ای برای برآورد درآمد خانوارها و بررسی نحوه انتشار تغییر متغیرهای مالیاتی از طریق تغییر متغیرهای رابط بر آن است. این مدل در واقع تابعی از مشخصات اجتماعی خانوارها و متغیرهای رابط در نظر گرفته شده و امکان پیش بینی درآمد هر یک از خانوارهای درون نمونه آماری را امکانپذیر می‌نماید. بطوریکه، با بکارگیری درآمدهای شبیه‌سازی شده قبل و بعد از تغییر متغیرهای مالیاتی خانوارهای درون نمونه می‌توان ضریب جینی را محاسبه و به نتیجه‌گیری در خصوص چگونگی تاثیر تغییر متغیرهای مالیاتی بر این شاخص پرداخت. قابل ذکر است، در مدل خرد، درآمدهای خانوارها با فرض متفاوت بودن خانوارها از حیث مشخصات اجتماعی و میزان تاثیر پذیری آنها از تغییر ایجاد شده در متغیرهای اقتصادی (ناشی از تغییر متغیرهای مالیاتی) پیش بینی خواهد شد.

۵- تصریح و برآورد مدل

۵-۱. مدل کلان

همانطور که بیان شد، مدل کلان به کار گرفته شده در این مقاله به صورت الگوی (VAR) است که شکل کلی آن به صورت زیر می‌باشد.

$$Y_t = A(L)Y_{t-1} + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در آن بردار $Y_t = (GDP, G, P^0, U, TAX)$ به ترتیب GDP، مخارج دولت، نرخ تورم، نرخ بیکاری و متغیرهای مالیات (مالیات بر درآمد، مالیات بر مصرف، نسبت مالیات بر درآمد به مالیات بر مصرف و نرخ مالیات بر درآمد) می‌باشد. A نیز یک ماتریس $k \times k$ از ضرایب الگو و ε_t بردار متناظر جملات اخلال است.

الگوی مذکور با توجه به چهار نوع متغیر مالیاتی در نظر گرفته شده، چهار بار با استفاده از مقادیر واقعی متغیرها طی سال‌های (۸۷-۱۳۶۰) برآورد خواهد شد. اما قبل از



برآورد مدل، ویژگی‌های سری‌های زمانی موجود در الگو با استفاده از آزمون متداول پایایی^{۳۰} یعنی آزمون دیکی- فولر تعمیم^{۳۱} یافته بررسی شده و نتایج آن در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: بررسی پایای متغیرهای الگو با استفاده از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته

تفاضل اول		سطح		حالت
				متغیر
بحرانی	آماره	بحرانی	آماره	
-۳/۰۲۹	-۵/۹۸	-۳/۰۴	-۲/۲۸	U (نرخ بیکاری)
-۳/۰۲۹	-۹/۰۴	-۳/۰۴	-۲/۵۴	P (نرخ تورم)
-۳/۰۲۹	-۸/۵۹	-۳/۰۴	-۲/۷۲	G (مخارج دولت)
-۳/۰۲۹	-۴/۲۶	-۳/۰۴	-۱/۶۶	GDP (تولید ناخالص داخلی)
-۳/۰۲۹	-۴/۶۸	-۳/۰۴	-۲/۰۶	CT (مالیات بر مصرف)
-۳/۰۲۹	-۶/۴۸	-۳/۰۴	-۱/۷۷	ITR (نرخ مالیات بر درآمد)
-۳/۰۲۹	-۳/۷۶	-۳/۰۴	-۱/۳۳	IT (مالیات بر درآمد)

ماخذ: یافته‌های تحقیق

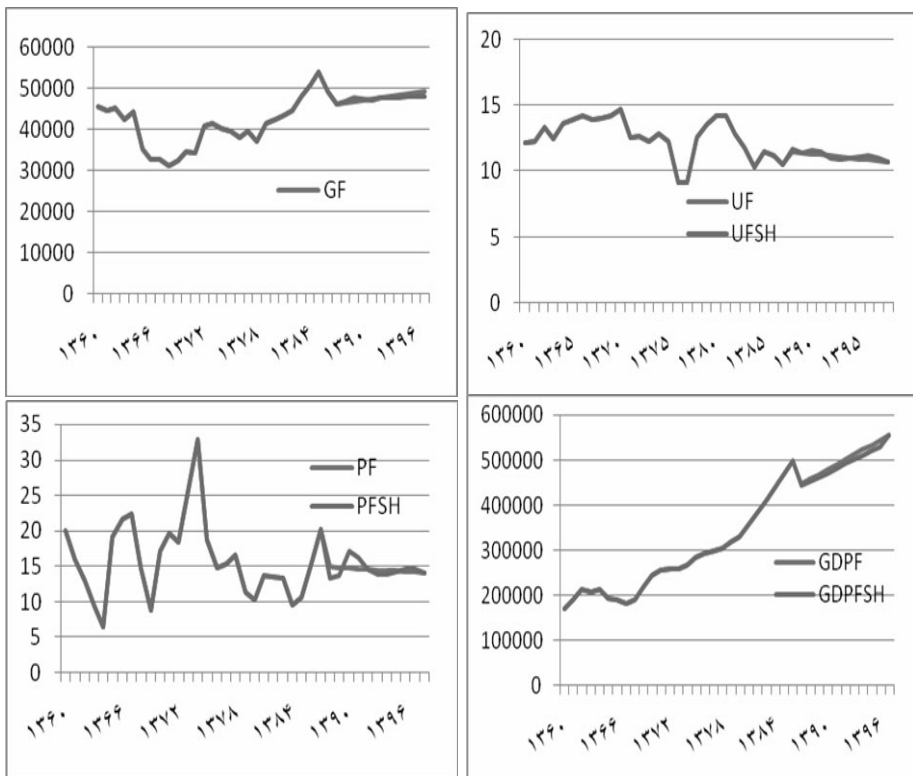
نتایج آزمون ADF در سطح متغیرها نشان می‌دهد که متغیرها در سطح ناپایا هستند اما در تفاضل مرتبه اول یعنی با یک بار تفاضل گیری پایا می‌شوند. پس از بررسی پایایی متغیرهای الگو، ابتدا الگوی مزبور با در نظر گرفتن هر یک از متغیرهای مالیاتی بطور مجزا و بدون اعمال هیچ‌گونه شوکی برآورد می‌گردد اما از آنجا که مهمترین مشکل بکارگیری یک الگوی خودرگرسیون برداری، دشواری تفسیر ضرایب برآورده شده است، لذا برای استنتاج نتایج مربوط و پیش بینی روند متغیرهای مختلف از توابع واکنش آنی استفاده می‌گردد. برای مثال، ابتدا الگوی مزبور با لحاظ مالیات بر درآمد و سایر متغیرها برآورد

30. Stationary

31. Augmented Dickey-Fuller Test

می‌گردد. سپس شوک‌های متغیرهای مالیاتی به میزان یک انحراف بر پسماندهای معادلات متغیرهای موجود در الگو اعمال و مقادیر پیش بینی شده متغیرها قبل و پس از شوک‌های مختلف به دست می‌آید. مقادیری که به این ترتیب پیش بینی می‌شوند، در مدل خرد به عنوان متغیرهای رابط برای برآورد و شبیه‌سازی درآمد خانوارها مورد استفاده قرار می‌گیرند. براین اساس، روند متغیرهای مختلف در اثر وارد شدن یک شوک مثبت مالیات بر درآمد به صورت نمودار (۱) است.

نمودار ۱: اثر شوک مالیات بر درآمد بر متغیرهای موجود در الگو



۵-۲. برآورد مدل خرد

در این قسمت ضمن معرفی مدل خرد، آثار تغییر متغیرهای مالیاتی بر توزیع درآمد با استفاده از متغیرهای رابط پیش‌بینی شده در مدل کلان شبیه‌سازی خواهد شد. بدین منظور،

ابتدا مدل خرد مورد نظر برآورد و سپس براساس متغیرهای پیش بینی شده در قسمت قبل (مدل کلان)، درآمدهای خانوارهای موجود در نمونه قبل و بعد از شوک شبیه سازی خواهد شد. ساختار کلی مدل خرد به صورت زیر است:

$$R_{ht} = f(c_{ht}; L_t) + u_{ht} \quad (2)$$

که در آن R_{ht} درآمد سرانه خانوار h ام در زمان t ، c_{ht} بردار مشخصات اجتماعی خانوار و L_t بردار متغیرهای رابط است. قابل ذکر است، از بین خصوصیات اجتماعی سرپرست خانوارهای شهری و روستایی، متغیرهایی که برای سال‌های مورد مطالعه قابل دستیابی بوده‌اند در نظر گرفته شده‌اند که به شرح جدول (۲) است.

جدول ۲: مشخصات اجتماعی خانوارها (شهری و روستایی)

متغیر	ویژگی	توضیحات
<i>GNR</i>	جنس	مرد = ۱ و زن = ۰
<i>AGE</i>	سن	سال
<i>EDU</i>	وضع تحصیل	درحال تحصیل یا فارغ التحصیل = ۱، بی سواد = ۰
<i>EMP</i>	وضع کار	شاغل = ۱، غیر شاغل = ۰
<i>IND</i>	بخش فعالیت	بخش خدمات = ۱، بخش کشاورزی و صنعت = ۰
<i>FRE</i>	نوع شغل	آزاد = ۱، کارفرما = ۰

ماخذ: اطلاعات بودجه خانوار

بنابراین، مدل خرد خانوارهای شهری و روستایی با استفاده از داده‌های بودجه خانوار (که شامل برخی از ویژگی‌های اجتماعی سرپرست خانوار است) و همچنین متغیرهای اقتصادی موجود در مدل کلان برای سال‌های (۸۷-۱۳۸۰) و با استفاده از روش داده‌های تابلویی برآورد شده است. قابل ذکر است، از آنجا که در این مقاله چهار متغیر مالیاتی مدنظر قرار گرفت، مدل خرد مزبور هر بار با لحاظ یکی از این متغیرها مورد برآورد قرار گرفته که برای اختصار نتایج حاصل از برآورد مدل خرد با در نظر گرفتن متغیر مالیات بر درآمد به شرح جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج مدل خرد شبیه‌سازی شده برای خانوارهای شهری و روستایی

خانوارهای شهری		خانوارهای شهری		متغیر
احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	
۵/۳۱	۸/۲۵	۵/۳۷	۱۰/۹	عرض از مبدا
۵/۰۶	۳/۵۱	۶/۲۲	۳/۵	<i>G</i>
۳/۳۶	-۰/۰۱	-۲/۲۵	-۰/۱۲	<i>P</i>
۷/۷۴	۲/۶۱	-۳/۶۷	-۱/۰۳	<i>U</i>
-۱/۵۶	-۰/۰۰۲	-۵/۳۹	-۰/۰۸	<i>IT</i>
۶/۶۶	۴/۷۶	۳/۳۲	۴/۲۱	<i>GDP</i>
۳/۶۵	۰/۰۰۵	۲/۰۳	۰/۰۱	<i>GNR</i>
۳/۲۱	۰/۰۰۰۱	۴/۰۳	۰/۰۲	<i>AGE</i>
۵/۰۴	۰/۲۲	۵/۷۱	۰/۶۲	<i>EDU</i>
۵/۱۳	۰/۳	۳/۵۱	۰/۱۶	<i>EMP</i>
۲/۰۶	۰/۸۵	۶/۳۲	۰/۱۱	<i>IND</i>
-۲/۶۱	-۰/۱۶	-۱/۵۲	-۰/۱	<i>FRE</i>

ماخذ: یافته‌های تحقیق

پس از برآورد ضرایب الگوی خرد، با ثابت در نظر گرفتن مشخصات اجتماعی خانوارها و ضرایب به دست آمده، تحت دو سناریوی مختلف، یکی مقادیر متغیرها قبل از شوک و دیگری مقادیر متغیرها پس از شوک، درآمد خانوارها برای سال‌های (۹۷-۱۳۸۷) پیش بینی شده است. در نهایت نیز براساس این درآمدهای شبیه‌سازی و ضریب جینی مربوط به سال‌های مختلف محاسبه شده است که در ادامه بیان می‌شود.

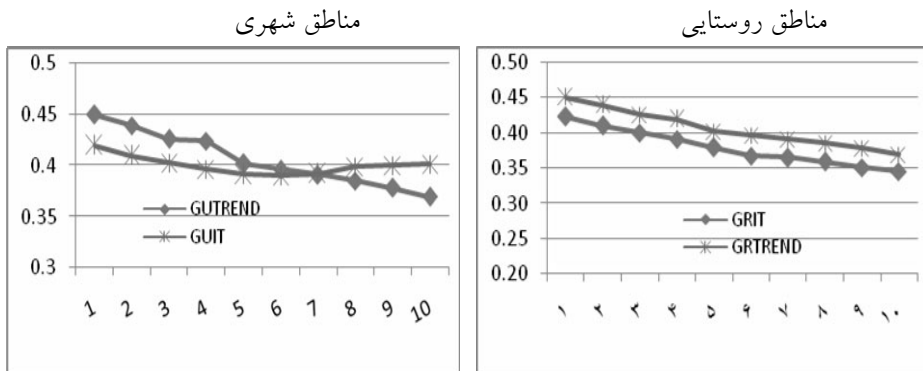
۶. بررسی تاثیر تغییر متغیرهای مالیاتی بر توزیع درآمد

برای محاسبه ضریب جینی روش‌های مختلفی وجود دارد اما در این مقاله معادله زیر برای برآورد آن مورد استفاده قرار می‌گیرد:

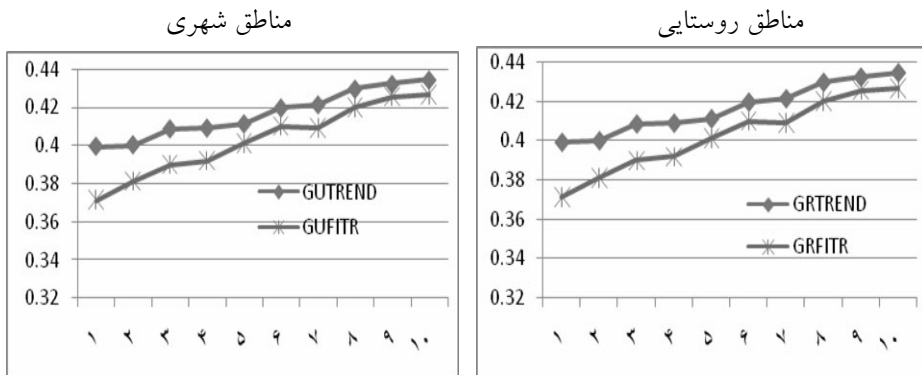
$$G_t = \left(\frac{1}{2N^2\mu} \right) \sum_{i \neq j}^N \sum_1^N \text{Min} | R_{it} - R_{jt} | \quad (3)$$

که در آن، N تعداد خانوارها، μ میانگین درآمد تمام خانوارها، R_{it} درآمد خانوارهای شهری یا روستایی است. قابل ذکر است، تنها تفاوت ضریب جینی حالت بدون شوک و پس از شوک متغیرهای مالیاتی، در درآمدهای شبیه سازی شده بکار رفته در محاسبه آن است. ضریب جینی محاسبه شده طی ده سال (۹۷-۱۳۸۷) با اعمال و بدون اعمال شوک متغیرهای مالیاتی در مناطق شهری و روستایی به شکل نمودارهای زیر است.

نمودار ۲: روند ضریب جینی قبل و بعد از شوک مالیات بر درآمد به صورت نرخ تصاعدی

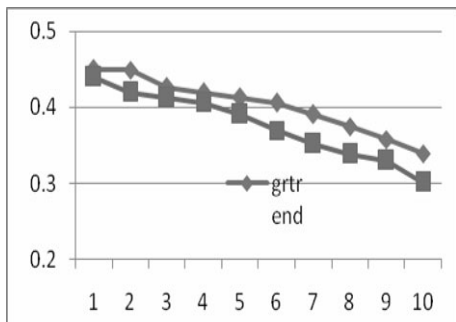


نمودار ۳: روند ضریب جینی قبل و بعد از شوک مالیات بر درآمد به صورت تناسبی

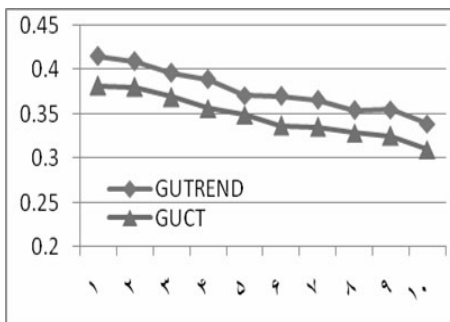


نمودار ۴: روند ضریب جینی قبل و بعد از شوک مالیات بر مصرف

مناطق شهری

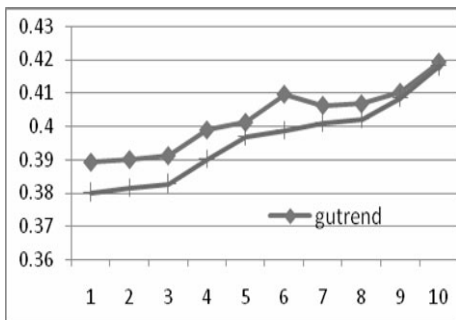


مناطق روستایی

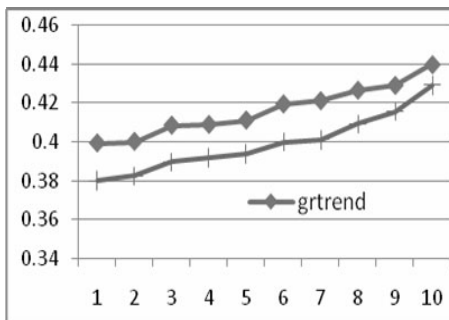


نمودار (۵): روند ضریب جینی قبل و بعد از شوک نسبت مالیات بر مصرف به مالیات بر درآمد

مناطق شهری



مناطق روستایی



ماخذ: نتایج تحقیق

۷. جمع بندی و نتیجه گیری

در مقاله حاضر هدف نهایی آن بود که با توجه به شوک‌های ناشی از متغیرهای مالیاتی، نقش هر یک از آنها طی سال‌های (۹۷-۱۳۸۷) بر نابرابری درآمد خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، از یک مدل تلفیقی که ترکیبی از مدل‌های کلان و مدل خرداست، استفاده شد. با استفاده از الگوی (VAR)، روند متغیرهای موجود در الگو در اثر تغییر متغیرهای مالیاتی طی یک دوره ۱۰ ساله پیش بینی و سپس نتایج حاصله در یک مدل خرد شبیه‌سازی شده وارد گردید. مدل خرد، درآمد خانوارها را تابعی از مشخصات اجتماعی و متغیرهای کلان در نظر می‌گیرد؛ مدل در ابتدا توسط



داده‌های واقعی و سپس با فرض ثبات تمامی ویژگی‌های خانوار، با استفاده از متغیرهای کلان شبیه‌سازی شده برآورد شد. یک بار نیز محاسبه درآمد خانوارها با استفاده از متغیرهای کلان پس از شوک انجام شده و بدین طریق تاثیر تغییر متغیرهای مالیاتی بر درآمد خانوارها محاسبه گردید. آنگاه درآمد خانوارها محاسبه شد و سپس با استفاده از این درآمدها ضریب جینی به دست آمد. در واقع تاثیر شوک‌ها در ابتدا بر درآمد خانوارها و سپس بر نابرابری بررسی شد. نکته قابل ذکر این است که با توجه به در نظر گرفتن چهار متغیر مالیاتی (مالیات بر درآمد با نرخ تصاعدی، مالیات بر درآمد با نرخ تناسبی، مالیات بر مصرف و نسبت مالیات بر درآمد به مالیات بر مصرف)، روش فوق‌الذکر نیز چهار بار تکرار شد و در هر بار ضریب جینی به دست آمده در حالت بدون و با تغییر متغیر مالیاتی مربوطه مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل از این مقایسه به شرح زیر است:

بررسی ضریب جینی پیش‌بینی شده در حالت بدون و با شوک مثبت مالیات بر درآمد حاکی از این است که در کوتاه‌مدت نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی و مناطق شهری کاهش یافته است، در حالیکه در بلندمدت منجر به افزایش نابرابری در مناطق شهری می‌شود. به علاوه، مقایسه روند ضرایب جینی حالت تناسبی و تصاعدی بیانگر این است که نرخ تصاعدی مالیات بر درآمد نسبت به نرخ تناسبی آثار مثبت بیشتری بر کاهش نابرابری توزیع درآمد در بلندمدت و کوتاه‌مدت در مناطق شهری دارد زیرا در تمامی سال‌های مورد پیش‌بینی، ضریب جینی وضع مالیات تناسبی بیشتر از این ضریب در شرایط وضع مالیات تصاعدی است. در مجموع مالیات بر درآمد در کوتاه‌مدت دارای اثر توزیعی مثبت می‌باشد و به بهبود وضعیت توزیع درآمد کمک می‌کند. با توجه به این نتایج به نظر می‌رسد اگر سیستم مالیات بر درآمد را بتوان بطور دقیق‌تر و کامل‌تر و با نرخ تصاعدی اجرا نمود، اثرات توزیعی بیشتری خواهد داشت.

ضریب جینی پیش‌بینی شده در حالت بدون و با شوک مثبت مالیات بر مصرف نیز بیانگر کاهش نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی و مناطق شهری است. مقایسه نمودارهای مربوط به تغییر افزایش مالیات بر مصرف و مالیات بر درآمد نشان می‌دهد که با افزایش مالیات بر مصرف، ضریب جینی بیشتر کاهش یافته است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مالیات بر مصرف می‌تواند بیشتر از مالیات بر درآمد در برنامه‌های توزیعی درآمد

مفید فایده باشد. از طرف دیگر، نسبت افزایش مالیات بر درآمد به مالیات بر مصرف نابرابری توزیع درآمد را در مناطق روستایی و مناطق شهری افزایش می‌دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای تحقق کاهش نابرابری توزیع درآمد در بلندمدت بایستی سیاستگذاری‌های مالیاتی به سمت مالیات بر مصرف گرایش یابد.

منابع

الف. فارسی

- ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶)، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۱.
- پروین، سهیلا (۱۳۷۲)، «زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران»، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- پروین، سهیلا و مرتضی قره باغیان (۱۳۷۵)، «آثار توزیعی مالیات در ایران»، مجله اقتصاد، دانشکده اقتصاد شهید بهشتی.
- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۷.
- جعفری صمیمی، احمد، اقتصاد بخش عمومی (۱).
- رحیمی، رضا (۱۳۶۸)، «نقش مالیات‌ها در توزیع مجدد در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- قدیری اصل، باقر (۱۳۷۶)، سیر اندیشه‌های اقتصادی، چاپ نهم، تهران، نشر مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ناصری گل‌عذاری، رسول (۱۳۷۳)، «نقش مالیات در توزیع درآمد (مطالعه تجربی در ایران برای سال‌های ۷۰-۱۳۵۰)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

ب. انگلیسی

- Cecoster, Ander (2000),“ Redistributive Effects of the shift personal Income taxes to Indirect taxes: Belgium 1988 – 1993”, working Group pUBLIC Economic in its series working paper series, number ces 0007.
- Francois Bourguignon, Francisco Ferreira, Nora Lustig,(2001) the microeconomics of income distribution dynamics;A comparative

analysis of selected developing countries, Buenos Aires.

Palm, Marten (1996). "Income Distribution Effects of the Swedish 1991 Tax Reform", Journal of policy Modeling, Vol. 18, No. 4, pp: 419-43.

Ramey, G and Ramey, (1995). Cross-country evidence on the link between volatility and growth. American Economic Review.

Shan Jordan, (2002) A macroeconomic model of income disparity in China, International Economic Journal.

Yose Rizal Damuri and Ari A. Perdand (2003), "The Impact of Fiscal Policy on Income Distribution and Poverty: A Computable General Equilibrium Approach for Indonesia", Center for Strategic and International Studies, Jakarta, Indonesia in its series CSLS Economics Working Paper Series, number wpe068